



Characteristics of Imam Khamenei's Governance

Maryam Esmaeili Parzan

PhD Graduate, Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Islamic Azad University
m.esmaeli0621@gmail.com

Abstract

In the political thought of the martyred Imam Khamenei, the concept of governance, unlike prevailing Western models based on separating power from the people and reducing citizenship to periodic voting, is grounded in the interaction between Imam (leadership) and Ummah (believers' community). This qualitative content-analysis study conceptualizes the Revolution's martyred leader's governance model and identifies four main characteristics: "strategic understanding of the enemy" as an existential necessity against hybrid warfare; "religious democracy," wherein the people are history's true makers and justice's focal point; "ethical monotheistic conduct" rooted in humility, avoiding blind Western imitation, and emphasizing a Quranic lifestyle; and "civilization-building" marked by justice-seeking, anti-corruption, officials' moral integrity, and meritocracy. This governance model intelligently responds to historical challenges, viewing security as dependent on insight, legitimacy on popular participation, and system sustainability on civilization-building. The study demonstrates that Islamic Iran's transformation from a nation-state to a global civilization-builder is achievable through these pillars and cultivating revolutionary leaders.

Keywords: Governance, Martyr Imam Khamenei, understanding the enemy, religious democracy, ethics of governance.



خصائص حكم الإمام الخامنئي

مريم إسماعيلي بارزان

حاصل على الدكتوراه في الفقه وأصول الشريعة الإسلامية، جامعة آزاد الإسلامية

m.esmaeli0621@gmail.com

الملخص

في الفكر السياسي للإمام الشهيد، يتركز مفهوم الحكم خلافاً للنماذج الغربية السائدة التي تقوم على فصل السلطة عن الشعب واختزال دور المواطن في مجرد التصويت في فترات محددة على التفاعل الجوهري بين الإمامة والأمة. تهدف هذه الدراسة إلى بلورة نموذج الحكم لدى القائد الشهيد للثورة وتوضيح خصائصه، وذلك بالاعتماد على المنهج النوعي وأسلوب تحليل المضمون. وقد خلصت الدراسة إلى تحديد أربع خصائص رئيسية، هي: الفهم الاستراتيجي للعدو بوصفه ضرورة وجودية لبقاء النظام في مواجهة الحروب الهجينة، والديمقراطية الدينية التي يُعد فيها الشعب الصانع الحقيقي للتاريخ ومحور السعي نحو العدالة. السلوك الأخلاقي ونمط الحياة القائم على التوحيد وهو نهج يركز على التواضع، وتجنب التقليد الأعمى للغرب، والتركيز على أسلوب حياة مستمد من القرآن إلى جانب بناء الحضارة الذي يتسم بالسعي لتحقيق العدالة، ومكافحة الفساد، والنزاهة الأخلاقية للمسؤولين، واعتماد مبدأ الجدارة والكفاءة. ويقدم نموذج الحكم هذا استجابةً ذكيةً للتحديات التاريخية؛ إذ ينظر إلى الأمن باعتباره أمراً مرهوناً بالبصيرة، وإلى الشرعية بوصفها متجذرة في المشاركة الشعبية، وإلى استدامة النظام على أنها تعتمد على عملية بناء الحضارة. وتُظهر الدراسة أن تحوّل إيران الإسلامية من مجرد دولة وطنية إلى قوة عالمية تبني الحضارة هو أمر قابل للتحقق من خلال الاعتماد على هذه الركائز وإعداد قادة ثوريين. الكلمات المفتاحية: الحوكمة، الإمام الشهيد الخامنئي، فهم العدو، الديمقراطية الدينية، أخلاقيات الحكم.

شاخصه های حکمرانی امام خامنه ای

مریم اسماعیلی پرزان

دانش آموخته دکتری، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد

m.esmaeli0621@gmail.com

چکیده

مفهوم حکمرانی در اندیشه سیاسی شهید امام خامنه ای (رضوان الله تعالی علیه) برخلاف الگوهای رایج غربی که مبتنی بر تفکیک قدرت و مردم و کاهش نقش شهروندان به صرف رأی دهنده‌گی در مقاطع زمانی مشخص است، بر محوریت تعامل «امامت» و «امت» استوار است. پژوهش حاضر با هدف مفهوم‌پردازی «مدل حکمرانی» رهبر شهید انقلاب و تبیین شاخصه‌های آن با رویکرد کیفی و تحلیل محتوا می باشد. یافته‌ها چهار شاخصه کلیدی را شناسایی کرد: «دشمن‌شناسی راهبردی» به مثابه ضرورتی وجودی برای بقای نظام در برابر جنگ ترکیبی؛ «مردم‌سالاری دینی» که در آن مردم تاریخ‌سازان واقعی و محور عدالت‌خواهی‌اند؛ «اخلاق‌مداری و سبک زندگی توحیدی» مبتنی بر تواضع، پرهیز از تقلید کورکورانه از غرب و تأکید بر سبک زندگی قرآنی؛ «تمدن‌سازی» با شاخص‌هایی نظیر عدالت‌طلبی، مبارزه با فساد، سلامت اخلاقی مسئولان و شایسته‌سالاری. این مدل حکمرانی پاسخی هوشمندانه به چالش‌های تاریخی است که امنیت را رهین بصیرت، مشروعیت را در مشارکت مردم و پایدار بودن نظام را در تمدن‌سازی می‌بیند. این پژوهش نشان داد گذار ایران اسلامی از دولت ملّی به تمدن‌ساز جهانی، با اتکا به این مؤلفه‌ها و تربیت مدیران انقلابی امکان‌پذیر خواهد بود. کلیدواژگان: حکمرانی، شهید امام خامنه ای، دشمن‌شناسی، مردم‌سالاری دینی، اخلاق حکمرانی.

مقدمه

حکمرانی در منظومه فکری شهید امام خامنه‌ای فراتر از مدیریت اجرایی یا اداره رسمی دولت است؛ این مفهوم به معنای فراگیرترین فرایندهای حاکمیت است که مرزهای میان نهادهای رسمی حکومت و جامعه مدنی را کم‌رنگ و تعاملات متنوعی را در بستر «ولایت فقیه» و «مردم‌سالاری دینی» تعریف می‌کند (سواری و همکاران، ۱۴۰۰، ص ۶۷). در این دیدگاه، انسان به عنوان خلیفه الهی برای رسیدن به کمال نهایی، نیازمند راهنمایی فراتر از عقل و تجربه صرف است و آموزه‌های وحیانی، نقشه راه تحقق یک نظام منسجم را ترسیم می‌کند. نظریه ولایت فقیه، به عنوان ستون فقرات این نظام، می‌کوشد ارتباطی نظام‌مند میان دین و سیاست در عرصه مدیریت جامعه ایجاد کند (مرشدی زاد، ۱۳۹۶، ص ۱۲۷). شهید امام خامنه‌ای به تبعیت از مکتب امام خمینی (ره) با تأکید بر مقوله «خدمت‌گزاری» الگویی از مدیریت روحانی و اخوتی ارائه داده است که به جای آنکه بر پایه قیوموت غربی متکی باشد، بر محور شکوفایی نبوغ‌ها و همسوسازی حرکت‌ها استوار است (الهی‌نژاد، ۱۴۰۲، ص ۱۱).

مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که با وجود گسترش ادبیات مربوط به سبک زندگی، اقتصاد مقاومتی و مبانی فلسفی حکومت، هنوز الگوی جامعی که به صورت تحلیلی-توصیفی، شاخصه‌های عملیاتی حکمرانی رهبر شهید انقلاب را استخراج کند و در قالب یک مدل نظری منسجم ارائه دهد، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از پژوهش‌های پیشین اگرچه به جنبه‌های کلی

پرداخته اند، اغلب فاقد عمق خاصی در پیوند دادن کنش های راهبردی رهبر شهید با ارکان حکمرانی - مانند دشمن شناسی و مردم سالاری دینی، اخلاق حکمرانی حکمرانان - هستند. مسئله اصلی این است که چگونه می توان با تکیه بر بیانات ایشان، مدلی از حکمرانی ترسیم کرد که در آن، ملت با بصیرت کامل، هویت ایرانی اسلامی خود را حفظ کند و در برابر جنگ ترکیبی و نفوذ استعماری که طی دو قرن اخیر - از قاجار تا پهلوی و دوران معاصر - کشور را تهدید کرده، ایستادگی کند؟ به ویژه آنکه تاریخ نشان داده است ایران در وضعیت خطرناک «نیمه استعمار» و پیوند استبداد داخلی با استعمار خارجی بوده است؛ وضعیتی که در دوران پهلوی به اوج خود رسید و آمریکا در آن «حاکمیت مطلق» داشت (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۴/۰۶/۱۸). بنابراین استخراج شاخصه های حکمرانی رهبر شهید انقلاب که توانسته است این چالش ها را مدیریت کند، یک خلأ پژوهشی محسوب می شود.

در بررسی پیشینه پژوهش می توان آثار متعددی را مشاهده کرد که هر کدام نگاهی جزئی به این مسئله داشته اند: سواری، توانا و ابری (۱۴۰۰) ویژگی های حکمران تراز دولت اسلامی را بررسی کرده اند؛ الهی نژاد (۱۴۰۲) به واکاوی رابطه حکمرانی متعالی مهدوی و ولی فقیه پرداخته است؛ مرشدی زاد (۱۳۹۶) حکمرانی خوب در تمدن نوین اسلامی را مورد مذاقه قرار داده و قاسمی شوب و نبوی (۱۴۰۱) سبک زندگی از منظر رهبری را تحلیل کرده اند. هیچ کدام از این پژوهش ها به طور خاص به استخراج «الگوی حکمرانی» به عنوان یک سیستم یک پارچه از طریق تحلیل محتوای کیفی بیانات رهبری به ویژه در دوران زعامت و



رهبری امام شهید انقلاب نپرداخته‌اند.

مطالعه حاضر، با رویکرد تحلیل محتوای کیفی (Qualitative Content Analysis) انجام شده است. تحلیل محتوای کیفی برای استخراج الگوها و مضامین اصلی از داده‌های جمع‌آوری شده به کار گرفته می‌شود (کیا و فقیهی‌نژاد، ۱۳۹۷، ص ۱۳). واحد تحلیل، بیانات رهبر شهید انقلاب است. مراحل پژوهش این گونه بوده است که پس از تمرکز بر استخراج مستقیم و بدون واسطه شاخصه‌های حکمرانی از بیانات رهبر شهید در یک بازه زمانی گسترده و پرتلاطم (چهار دهه اخیر) که امکان رصد تحول و ثبات الگورا فراهم می‌کند، از روش «تحلیل محتوا» برای کشف ارتباط میان شاخصه‌های حکمرانی استخراج شده استفاده شده تا بتوان به الگویی کاربردی دست یافت که نشان دهد چگونه حکمرانی ایشان از حالت انتزاعی خارج و به ابزاری برای مقابله با «نیمه‌استعمار» و «تمدن‌سازی» تبدیل شده است.

الف) یافته‌ها

۱. دشمن‌شناسی راهبردی و جریان‌یابی هوشمندانه

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد «دشمن‌شناسی» در اندیشه رهبر شهید انقلاب یک ضرورت وجودی و راهبردی برای بقای نظام است. تحلیل بیانات حاکی از آن است که ایشان استعمار نورانه صرفاً تغییر چهره بلکه تحولی به سمت «استعمار فرانو» و «جنگ ترکیبی» می‌دانند که هدف آن زدودن هویت اسلامی- انسانی ملت‌هاست. دشمن‌شناسی در این مدل، دو لایه دارد: نخست،

شناخت دشمن خارجی به ویژه آمریکا به عنوان «حاکمیت مطلق» تاریخی؛ دوم، شناسایی جریان های داخلی همسوبا دشمن (غرب گرایان سکولار). همان طور که در بیانات ایشان آمده است، دشمن شناسی دقیق، پیش شرط بصیرت است؛ چراکه بدون شناخت ابعاد استعمار نو، رسیدن به ایران مقتدر ممکن نخواهد بود (خامنه ای، بیانات در تاریخ ۱۸/۰۶/۱۳۹۴). این رویکرد، ملت را از انفعال بیرون برده، به سوژه ای فعال در صحنه تحولات تبدیل می کند.

۲. مردم سالاری دینی

در نظام جمهوری اسلامی، «مردم» در نقش «تاریخ سازی» نقش محوری دارند. تحلیل قانون اساسی به ویژه در اصل هشتم نشان می دهد حکمرانی مطلوب در این مدل، بر پایه اصل «جمهوریت» و «اسلامیت» استوار است. مشارکت مردم در این الگو، محدود به انتخابات نیست، بلکه شامل کلیه ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و سیاسی اداری می شود (قلی پور، ۱۳۸۳، ص ۷۲). نکته کلیدی در این یافته، تأکید بر «عدالت خواهی» و «رفع فقر» به عنوان اولویت های حکمرانی است. رهبر شهید انقلاب معتقد بودند پیشرفت باید همه جانبه باشد و صدای قشر محروم که تربیون نداشتند، باید شنیده شود (بیانات در دیدار رئیس جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۵/۰۶/۱۳۸۰). این نگاه، حکمرانی را از حالت نخبه گرا خارج و به حاکمیتی مبتنی بر اجماع و نیازهای واقعی مردم تبدیل می کند.

۳. اخلاق‌مداری و سبک رهبری توحیدی

میان «سبک رهبری پهلوی» - مبتنی بر تحقیر و خشونت - و «سبک رهبری شهید امام خامنه‌ای» - مبتنی بر تواضع، احترام و اخلاق فردی و اجتماعی - تفاوت آشکاری وجود دارد. این محور بر اهمیت «سبک زندگی توحیدی» به عنوان زیربنای تمدن نوین اسلامی تأکید دارد. در این مدل، ایمان به خدا به عنوان اساس انتخاب سبک زندگی است و تقلید از فرهنگ غربی - به دلیل ماهیت تهاجمی و فسادآفرین آن - ممنوع اعلام شده است. سبک رهبری شهید انقلاب، ترکیبی از خردگرایی، شجاعت در بیان حق و تعامل سازنده با منتقدان است که ریشه در مکتب امام خمینی (ره) دارد.

۴. تمدن‌سازی

یافته‌ها نشان می‌دهد نقطه اوج این مدل، ترسیم افق «تمدن نوین اسلامی» است. این تمدن نیازمند تولید فکر و پرورش انسان است. شاخص‌های استخراج شده از بیانات شامل عدالت‌طلبی، مبارزه با فساد، سلامت اعتقادی مسئولان، شایسته‌سالاری و مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های ملی و جهانی است. این شاخص‌ها نشان می‌دهند هدف نهایی، گذار از دولت ملی به یک تمدن‌ساز جهانی با هویت ایرانی اسلامی است.

ب) بحث

۱. دشمن‌شناسی و جریان‌شناسی

در مدل حکمرانی شهید امام خامنه‌ای، «دشمن‌شناسی» تنها یک تاکتیک

سیاسی نیست، بلکه یک ضرورت وجودی و استراتژیک برای بقای نظام و جلوگیری از فروپاشی هویت ملی و دینی است. بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز به عنوان نقشه راه آینده، بر شناخت دشمن تأکید اکید دارد. ایشان با تفکیک دقیق «استعمار سنتی» و «استعمار نوین» نشان دادند دشمن امروز با چهره‌ای متفاوت (جنگ ترکیبی، تهاجم فرهنگی) اما با همان هدف (زدودن هویت اسلامی) ظاهر شده است (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی، ۱۳۹۵/۰۱/۰۱).

دشمن شناسی تنها محدود به شناسایی بیرونی نیست؛ بلکه نیازمند شناخت جریان‌های داخلی است که خود را با دشمن همپوشان کرده‌اند. رهبر شهید انقلاب سال ۱۳۷۴ در خطبه‌های نماز عید فطر با صراحت تمام ویژگی‌های نماینده واقعی ملت را برشمردند و از کسانی که «اسلام را نمی‌پسندند» و «به خاطر دل بیگانگان... به انقلاب و ارزش‌های انقلابی اهانت می‌کنند» برائت جستند. ایشان تأکید کردند: «آن کسی که به عنوان وکیل این ملت انقلابی و مؤمن و شجاع به مجلس می‌رود، باید انقلابی و مؤمن و شجاع باشد... آن کسی که بفهمد امام چه می‌گفت، چه می‌خواست و چرا می‌خروشید» (بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۷۴/۱۲/۰۱). بنابراین در مسیر دشمن شناسی، شناخت جریان‌های غرب‌گرا در کشور که ریشه در تفکر لیبرالی و سکولار دارند و سعی در پوشاندن چهره واقعی دشمن و توجیه وابستگی داشته‌اند، بسیار اهمیت دارد.



۲. مردم سالاری دینی

مشارکت عمومی، سنگ بنای اصلی حکمرانی خوب محسوب می شود که هم به صورت مستقیم و هم از طریق نهادهای واسطه مشروع تحقق می یابد (حق پناه و ابوذری، ۱۳۹۱، ص ۴۰۸). قانون اساسی با تکیه بر دو رکن «جمهوریت» و «اسلامیت»، سرنوشت مردم را به دست خودشان سپرده و هرگونه استبداد فکری و انحصار اقتصادی را نفی کرده است. اصل ششم و هفتم این قانون به طور صریح، براداره امور کشور با اتکای آرای عمومی تأکید دارند. این چارچوب حقوقی، مشارکت مردم را در ابعاد اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تضمین می کند (قلی پور، ۱۳۸۳، ص ۷۸).

در اندیشه رهبر شهید انقلاب، مردم فراتر از ابزار قدرت، «تاریخ سازان» واقعی اند. این نگاه متعالی که ریشه در خلیفه الله بودن انسان دارد، بر معرفت دینی استوار است. ایشان با استناد به جمله معروف حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام که «رحم الله امرء عرف من أين والی أين وفی أين» (فیض کاشانی، ۱۴۳۰، ج ۱، ص ۱۱۶)، ابعاد سه گانه معرفت (مبدأ، طریق و معاد) را مبنای حرکت جامعه می دانند. مردم در اندیشه امام شهید، کسانی هستند که با «ایمان» و «مجاهدت»، توطئه های دشمن را خنثی می کنند. ایشان در دیدار با مجلس خبرگان فرمودند: «اسلام بلاشک قلع و قمع کننده ظلم و استکبار است؛ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ [توبه: ۳۳]. یقیناً اسلام می تواند کفر را، جبهه مقابل را شکست بدهد» (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۰۶). این باور به توانایی مردم در سایه ایمان، استراتژی «ایران قوی» را

پایه ریزی می کند.

نقش مردم تنها در صحنه های دفاعی خلاصه نمی شود؛ بلکه در سازندگی و عدالت اجتماعی نیز نمود پیدا می کند. یکی از مهم ترین مسائل در جامعه اسلامی از نظر رهبری، «رفع فقر» و «رسیدگی به وضع نیازمندان» است. ایشان معتقد بودند پیشرفت اقتصادی باید همه جانبه و عادلانه باشد: «هرکاری در کشور صورت می گیرد، باید با هدف رفع فقر و محرومیت و ایجاد رونق در زندگی عموم مردم - نه بخشی از مردم و قشرهای خاص - باشد» (بیانات در دیدار مردم شهرستان جیرفت، ۱۳۸۴/۰۲/۱۷). بنابراین حکمرانی مقتدر زمانی محقق می شود که منافع مستضعفان در اولویت قرار گیرد و مشارکت مردم در تمام عرصه ها تضمین گردد (مرشدی زاد، ۱۳۹۶، ص ۱۳۲).

۳. اخلاق مداری و سبک زندگی دینی

در تحلیل اخلاقی مدل حکمرانی، جایگاه «رأس قله» و دستگاه مدیریت به عنوان عاملی تعیین کننده در هدایت جامعه برجسته است؛ چراکه حتی با وجود صلاح در بدنه مردم، اگر مدیریت از عدل، تقوا و ورع دور باشد، جامعه به سرمنزل مطلوب نخواهد رسید (بیانات در دیدار هیئت دولت، ۱۳۶۹/۰۴/۰۷). سبک زندگی در این منظومه فکری، بخش متنی و حقیقی تمدن نوین اسلامی است که اهمیت بسیاری دارد و پایه ای برای استقلال فرهنگی محسوب می شود (قاسمی شوب و نبوی، ۱۴۰۱، ص ۱۸). اساس انتخاب سبک زندگی، ایمان و نگرش توحیدی است؛ بدین معنا که سبک زندگی اسلامی باید منطبق بر آموزه های



قرآنی باشد؛ زیرا قرآن کتاب سعادت دنیا و آخرت است و تنها با عمل به آن می‌توان عزت، رفاه و انسجام ملّی را تأمین کرد (بیانات در دیدار مردمی، ۱۳۹۶/۰۱/۲۱).

یکی از وجوه تمایز این مدل با رژیم‌های گذشته، تفاوت بنیادین در «اخلاق حکمرانی» است. در حالی که حکمرانی پهلوی مبتنی بر تحقیر و خشونت بود، الگوی امام شهید انقلاب بر اخلاق، تواضع و احترام به حقوق عمومی استوار است که بازتابی از مکتب امام خمینی (علیه السلام) است. همچنین نفی تقلید از سبک زندگی غربی به دلیل ماهیت تهاجمی و فسادآفرین آن، یک اصل کلیدی است. فرهنگ غرب به عنوان فرهنگ نابودکننده هویت بومی، بنیان‌های اجتماعی را تهدید می‌کند و از همین رو قرآن کریم نیز اطاعت از امر مسرفان و مستکبران را که منشأ فسادند، نهی کرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۱۷۵). بنابراین سبک زندگی توحیدی که در آن دستورهای الهی در صدر است و سیاست، فرهنگ و اقتصاد از آن متأثر می‌شوند، ضامن بقا و پیشرفت جامعه اسلامی است (بیانات در دیدار مردمی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

۴. تمدن‌سازی

در تحلیل نهایی مدل حکمرانی، ترسیم افق «تمدن نوین اسلامی» به عنوان غایت آرمانی و نقطه اوج این الگو قابل توجه است. تمدن وضعیتی ایدئال است که در آن کمترین میزان فساد، بی‌مبالاتی و قانون‌گریزی وجود داشته باشد (ناظمی اردکانی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۴-۱۱۵). رهبر شهید در شهریور سال ۱۳۸۵ با

تبیین شاخص های حکمرانی خوب بر مبنای آموزه های دینی، پنج محور اصلی را مطرح کردند: عدالت طلبی؛ مبارزه با فساد؛ سلامت اعتقادی و اخلاقی مسئولان (مشمول بر ساده زیستی، تواضع، سعه صدر و پرهیز از هوای نفس)؛ شایسته سالاری در انتصابات؛ مشارکت مردم در تصمیم گیری های ملی و جهانی. این شاخص ها نشان می دهد تمدن سازی نیازمند طراحی دقیق برای حذف رذایل اخلاقی و اداری است.

نقطه عطف این نگاه، باور به ظرفیت تمدنی چند هزار ساله ایران است که در خدمت اسلام قرار گرفته و باید به یک هارتلند^۴ (Heartland) توحیدی تبدیل شود. در این مدل، ملی گرایی ایرانی با تفکر شیعی در هم آمیخته و بیداری اسلامی که پیش بینی شده بود، امروزه در منطقه محقق شده و ایران را به قطب هدایت گریه مقاومت تبدیل کرده است. برای تحقق این افق، مدیران جامعه باید ویژگی های «مؤمن، شجاع و انقلابی» را دارا باشند. همان طور که در بیانات ایشان تأکید شده است، ساخت تمدن اسلامی مستلزم دو عنصر حیاتی «تولید

۴. هارتلند یک اصطلاح ژئوپولیتیک و استراتژیک است که در لغت به معنای قلب تپنده و کانون مرکزی گفته می شود و در اصل به هسته مرکزی اوراسیا اطلاق می شود اما به گذشت زمان، معنای آن، به کانون مرکزی یک تمدن، ایدئولوژی و یا جنبش جهانی که یک گفتمان از آن سرچشمه می گیرد و به پیرامون می تابد، تغییر کرده است. مقصود از هارتلند توحیدی نیز آن است که کشور ایران، هسته مرکزی گفتمان توحید در جهان شود. بر همین اساس، کشور ایران و تمدن ایرانی باید با تمام ظرفیت تمدنی خود در هنر، سیاست، اقتصاد، عرفان، عقلانیت و ... به خدمت دین اسلام درآمده و از سطح ملی فراتر رفته و به کانونی تبدیل شود که اندیشه ناب توحیدی به عنوان مرکز ثقل ژئوپولیتیک جبهه مقاومت در برابر نظام سلطه عمل کند و ظرفیت تمدن کهن خود را برای تحقق تمدن نوین اسلامی به کار گیرد.



فکر» و «پرورش انسان» است و نقش آفرینان اصلی در این فرایند، سیاستمداران و مدیران جامعه‌اند که باید خود را به عنوان معماران آینده بدانند (بیانات در جمع اساتید فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴). بنابراین گذار از دولت‌محوری به تمدن‌سازی جهانی، تنها با اتکا به همین الگوی حکمرانی و تربیت نسل‌های مؤمن و کارآمد امکان‌پذیر خواهد بود.

نتیجه‌گیری

مدل حکمرانی شهید امام خامنه‌ای، مدلی است که با عبور از مفاهیم غربی، بر پایه‌های «دشمن‌شناسی»، «مردم‌سالاری دینی»، «اخلاق‌مداری» و «تمدن‌سازی» بنا شده است. این مدل با تأکید بر اینکه «حفظ پیروزی از رسیدن به اصل پیروزی سخت‌تر است» (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۵/۰۳/۰۶)، همواره هوشیاری ملت را می‌طلبد. در این مدل، دشمن‌شناسی ضامن امنیت، مشارکت مردم ضامن مشروعیت، اخلاق ضامن پابندی به ارزش‌ها و تمدن‌سازی هدف غایی است. ایران اسلامی با بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها و تحت هدایت‌های رهبر فرزانه جدید، حضرت آیت الله سیدمجتبی خامنه‌ای (دام ظلّه العالی)، در حال گذار از یک دولت ملّی به یک تمدن‌ساز جهانی است که آرمان‌های نهضت‌های ضد استعماری امام خمینی (علیه السلام) و شهید امام خامنه‌ای (علیه السلام) را محقق می‌کند. این پژوهش نشان می‌دهد برای موفقیت در این مسیر، نیاز به اجرای دقیق این مؤلفه‌ها و پرهیز از هرگونه انحراف از مسیر تعیین شده است.



ماتریس شاخصه های حکمرانی شهید امام خامنه ای



منابع و مآخذ

* قرآن کریم.

۱. الهی نژاد، حسین (۱۴۰۲)، رابطه حکمرانی متعالی مهدوی و حکمرانی مطلوب ولی فقیه. فصلنامه جامعه مهدوی، ۴(۲)، ۷-۳۷.
۲. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵/۰۱/۰۱). بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی.
۳. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴/۰۶/۱۸). بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴/۰۸/۱۲). بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان.
۵. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰/۰۸/۱۱). بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۴/۱۲/۰۱). بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر.
۷. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵/۰۳/۰۶). بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری.
۸. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۴/۰۲/۱۷). بیانات در دیدار مردم شهرستان جیرفت.
۹. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۰/۱۲/۱۴). بیانات در دیدار مسئولان کمیته‌ی امداد امام خمینی علیه السلام.
۱۰. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۰/۰۶/۰۵). بیانات در دیدار رئیس جمهوری و

اعضای هیئت دولت.

۱۱. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۵/۰۳/۰۶). بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری.

۱۲. خامنه ای، سیدعلی (۱۳۷۹/۰۷/۱۴). بیانات در جمع اساتید فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه.

۱۳. سواری، محمدجواد، توانا، حمید، و ابری، محمدجواد (۱۴۰۰). ویژگی های حکمران تراز دولت اسلامی از منظر امام خامنه ای. فصلنامه حکمرانی متعالی، ۲(۵)، 97-122.

۱۴. قاسمی شوب، محمد، و نبوی، سیدمجید (۱۴۰۱). بررسی سبک زندگی از منظر آیت الله خامنه ای با تأکید بر رویکرد، مبنا و نحوه اجرا. فصلنامه قرآن و علوم اجتماعی، ۲(۱)، 9-27.

۱۵. قلی پور، رحمت الله (۱۳۸۳). نقش دولت در حکمرانی خوب [رساله دکتری]، دانشگاه علامه طباطبائی.

۱۶. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۳۰ق). الوافی. اصفهان: عطر عترة.

۱۷. کیا، علی اصغر، و فقیهی نژاد، مهدی، (۱۳۹۷). تحلیل مضمون مفاهیم ارتباطات و توسعه در مفاد برنامه های چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران. مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی، 6(۱۱)، 33-71.

۱۸. مرشدزاد، علی (۱۳۹۶). حکمرانی خوب و حکمرانی مطلوب در تمدن نوین اسلامی. دوفصلنامه آینده پژوهی ایران، 2(۲)، 125-140.



۱۹. مکارم شیرازی، ناصرو همکاران (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. ناظمی اردکانی، محمد (۱۳۸۸). حکمرانی خوب با رویکرد اسلامی. نشریه علوم انسانی دانشگاه امام حسین علیه السلام، (۷۶)، 107-128